

پژوهشگران

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴

شماره ۴۶۳۹

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

نخست وزیر هندوستان به سرزمین های اشغالی سفر کرد

تقابل اتحادشش ضلعی و ناتوی اسلامی؟

میراحمدرضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

این روزها نتایهاو آغوش خود را برای پذیرایی از نارندرا مودی نخست‌وزیر هند گشوده است تا به قول خودش میزبان شریک مهم ۱٫۴ میلیارد نفری و رئیس جمهوری «بسیار قدرتمند و محبوب» باشد. این نخستین بار نیست که مودی با به سرزمین‌های اشغالی می‌گردد (سفر سال ۲۰۱۷ مودی به تل‌آویو)، اما این سفر به‌ویژه به لحاظ شرایط زمانی ووقع آن می‌تواند بسیار مهم‌وحساسیت‌برانگیز تلقی‌شود.اوضاع‌آشفته‌خاورمیانه‌و احتمال تقابل نظامی مستقیم میان ایران‌در یک‌سو و ایالات متحده‌ورژیم‌صهیونیستی‌در سویی دیگر، باقی ماندن چالش سیاسی و نظامی فلسطین و غزه با راه‌حل‌های عجیب و مبهم ترامپ، انزوای شدید‌روژیم‌صهیونیستی‌در صحنه‌بین‌المللی، شکنندگی امنیت مناطقی همچون دریای سرخ و خلیج‌فارس و در نهایت شرایط حساس بازارهای انرژی؛ همگی می‌تواند بخشی از حساسیت‌ها به زمان انجام این سفر را بازگو کنند. بر همین اساس نیز تحلیل‌هایی زیاده‌در این زمینه مطرح شده‌که مودی چگونه‌در چنین شرایطی ریسک‌سفر به تل‌آویورا پذیرفته و سفر او چه پیامی می‌تواند برای منطقه به همراه داشته باشد؟ به قول یک تحلیلگر هندی کشورهای غرب‌آسیا از جمله ایران، با دقت این سفر و روابط نزدیک دهلی‌نو و تل‌آویورا زیر نظر گرفته‌اند و تأثیر آن بر معادلات خود با هند را می‌سنجند.

پیشینه تاریخی روابط

از روابط پنهان تا شراکت راهبردی

اگر چه هند از جمله کشورهایی بود که رژیم‌صهیونیستی را اندکی پس از تأسیس آن به رسمیت شناخت، اما حداقل تا ۴ دهه پس از آن از برقراری روابط رسمی دیپلماتیک با تل‌آویو امتناع کرد. درحالی‌که پایبندی مردم و سیاست‌مدارانی همچون گاندی به آرمان فلسطین و حمایت قاطع آن‌ها از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری روابط دیپلماتیک محسوب می‌شد، در همین زمان نیز تیز سطحی از روابط غیررسمی و حتی مخفیانه میان برخی دولت‌های مستقر در دهلی و اسرائیل برقرار شده بود. در این چهارچوب کنسولگری اسرائیل در بمبئی در سال ۱۹۵۰ افتتاح شد و در خرداد می‌هم، سفر مخفیانه موشهدایان وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی به هند در دهه ۱۹۷۰، جنگالی بزرگ به پا کرد.

اما در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و از طریق قانع‌سازی عرفات توسط دهلی‌نو، برای برقراری روابط دیپلماتیک رسمی میان دو طرف زمینه‌چینی لازم انجام گرفت. عرفات در آن هنگام اعلام کرد که تبادل سفیران و به رسمیت‌شناختن (اسرائیل) مسئله حاکمیتی است که نمی‌تواند در آن دخالتی کند. در عین حال وی تأکید کرد که به هر انتخابی از سوی دولت هند احترام می‌گذارد. بدین ترتیب روابط دیپلماتیک دهلی‌نو و تل‌آویو شکل گرفت که برجسته‌ترین آن، سفر آریل شارون به دهلی‌نو در سال ۲۰۰۳ بود. مبادرات دو طرف در سطح رفعت‌وآمدوزرا و مقامات ادامه پیدا کرد تا اینکه انتخاب مودی به نخست‌وزیری در سال ۲۰۱۴، نقطه عطفی را در این روابط رقم زد.

بسا حضور مودی و حزب بی‌جی‌پی در رأس هرم قدرت، ماهیت روابط دو هند و رژیم‌صهیونیستی دچار تحول اساسی شد چنان‌که در سال ۲۰۱۶ و برای نخستین‌بار یک رئیس‌جمهور هند به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد. به فاصله اندکی پس از آن و در سال ۲۰۱۷، مودی شخصاً به تل‌آویو سفر کرد و در آنجا ارتقای روابط دو طرف به سطح راهبردی را کلید زد. نتایج‌هاو باسفر به دهلی‌نو در سال ۲۰۱۸، به این مشارکت راهبردی پاسخ داد. از آن زمان تاکنون همکاری میان دو طرف در مسیری روبه پیشرفت قرار داشته است؛ چنان‌که در سال ۲۰۲۵ تقاهم‌نامه مهمی در حوزه همکاری‌های دفاعی میان دو طرف به امضا رسید. بدین ترتیب سفر اخیر مودی، دومین سفر یک‌نخست‌وزیر هند به سرزمین‌های اشغالی و تداوم و تحکیم رویکرد همکاری‌های راهبردی مشترک تلقی می‌شود.

همکاری‌های دفاعی و امنیتی ستون اصلی روابط دو جانبه

در طی چند دهه اخیر روابط هند و رژیم صهیونیستی در عرصه‌های متفاوتی همچون علم و فناوری، تجارت، سرمایه‌گذاری و کشاورزی پیگیری شده است. علاوه بر این در

سال‌های اخیر و به‌طور خاص از زمان برگزاری نشست سران ۲۰ در دهلی‌نو، بحث ایجاد کریدور «ایمک» (IMEC) نیز مطرح بوده است. این کریدور که به‌طور القومی می‌تواند هند را از طریق خاور میانه به اروپا متصل کند، مهم‌برای هند و هم‌برای رژیم‌صهیونیستی حائز اهمیت است. در واقع این کریدور چندوجهی این امکان را برای هند فراهم می‌کند که از طریق خلیج‌فارس، برخی کشورهای عربی حاشیه این خلیج همچون امارات و عربستان و در نهایت گذر از اسرائیل، به اروپا متصل‌شود. به لحاظ سیاسی ایالات متحده مشوق اصلی این کریدور محسوب می‌شود، اما این مسیر از جنبه ژئوپلیتیکی و امنیتی با چالش‌های اساسی مواجه است، کما اینکه جنگ غزه و تنش‌های اخیر در خاور میانه موجب تشده تا‌طرح آن عملاً به حاشیه‌رانده‌شود. با این حال این‌گونه مطرح شده‌که بحث این کریدور و چگونگی پیگیری راه‌اندازی آن یکی از مسائل اساسی در ملاقات مودی و نتایج‌هاو خواهد بود.

جهش فوق‌العاده همکاری‌های نظامی دهلی و تل‌آویو

بااین‌حال همان‌طور که اغلب منابع سیاسی تأکید داشته‌اند، توسعه همکاری‌های امنیتی و نظامی موضوعی استس که در جریان این سفر در صدر اولویت‌های دو طرف در این سفر قرار دارد.

همکاری نظامی میان هند و رژیم‌صهیونیستی پیشینه بسیار قدیمی دارد که حتی به پیش از برقراری روابط دیپلماتیک رسمی میان دو طرف بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که نخستین زمینه‌تاریخی این همکاری‌ها به‌سال ۱۹۶۲ و دوره جنگ هندو چین ارتباط‌پیدا می‌کند که طی آن هند از سلاح‌های اسرائیلی در تقابل با چین استفاده کرد. اما اساس این همکاری‌های امنیتی و نظامی در جنگ کراکیل (۱۹۹۹) میان هند و پاکستان پیاپی‌زی شد. از آنجاکه هند در این جنگ به بسب‌های دقیق و نظفنه‌نر برای هدف قراردادن مناطق کوهستانی و غارها نیاز داشت، با تأماس مقامات سیاسی و نظامی، تل‌آویو بخشی از ذخایر اضطراری خود را به این امر اختصاص داده و ظرف چندروز این تجهیزات را به پایگاه‌های هند انتقال داد. به نظر می‌رسد این همکاری نظامی در تصمیم‌هند در برقراری هر چه سریع‌تر روابط دیپلماتیک با اسرائیل نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده است.

بدین‌ترتیب فصلی جدیدی از همکاری امنیتی و دفاعی میان دو طرف آغاز شد به‌شکلی که رژیم صهیونیستی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین نامین‌کنندگان تسلیحات و حتی فناوری‌های مدرن نظامی هند تبدیل شده است چنان‌که از سامانه‌های دفاع هوایی و پهپادها گرفته تا مهمات هدایت‌شونده دقیق در اختیار هند قرار داده شده است. برخی منابع ارزش تجهیزات اراده رژیم صهیونیستی در طی یک دهه اخیر را به‌تقریب سه‌شکل می‌شمارد دل‌آبر گرفته‌اند. در یک نگاه اجمالی و با اتکا به آمارهای منتشرشده، مشخص می‌شود که دهلی‌نو در طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین خریدار تسلیحات اسرائیلی بوده است، ضمن آن‌که ارزش این خریدهای تسلیحاتی در فاصله‌سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ به حدود ۳۴ درصد از کل فروش تسلیحاتی اسرائیل ارتقا یافته است. دقیقاً در سایه گسترش این مبادلات است‌که توافق همکاری دفاعی و امنیتی میان دو طرف در سال ۲۰۲۵ و در جریان سفر وزیر دفاع رژیم‌صهیونیستی به دهلی‌نو به امضا می‌رسد. امسا نکته مهم دیگر که هم بر زمان‌بندی و هم بر روند همکاری دفاعی میان هند و تل‌آویو اثر گذار نشان داده، نتایج ۸۸ ساعته‌اخیر میان هند و پاکستان است. در جنگ سینندور، دولت هند به بسیاری از ضعف‌های خود در حوزه مدرن‌سازی و به‌خصوص یکپارچه‌سازی تجهیزات مدرن دفاع هوایی و زمینی پی‌برد. همین موضوع یکی از دلایل و انگیزه‌های شتاب مودی در انجام این سفر را توجیه می‌کند، در جایی‌که دهلی‌نو به تل‌آویو چشم‌دوخته‌تا در مدرن‌سازی ارتش و ضعف تجهیزات دفاعی و پشتیبانی به کمکش یابید.

سایه سنگین چالش فلسطین بر روابط دو جانبه

باوجود آن‌که از زمان روی کار آمدن دولت مودی و حزب بی‌جی‌پی در هند، مسئله آ‌ز‌آمان فلسطین به‌شکلی چشم‌گیر بیخته‌و حتی کم‌رنگ‌تر از سوی مقامات دهلی‌نو دنبال می‌شود، بااین‌حال دهلی‌نو در لاپای هیچ‌گاه نتوانسته از مان فلسطین را به‌کلی نادیده‌بگیرد. اقبال و توجه مردم به فلسطین و در کنار آن اعمال فشار احزاب مخالف به‌خصوص احزاب سنتی مانند کنگره در این زمینه نقشی بسزا ایفا کرده است. حتی اکنون هم که مودی در تل‌آویو

حضور دارد، بسیاری در داخل هند منتقد این سفر هستند؛ چرا که سفر در شرایط اوج انزوافتقر از رژیم صهیونیستی انجام‌گرفته‌است؛ بنابراین دولت مودی و حزب بی‌جی‌پی نمی‌خواهند با نادیده‌گرفتن مسئله فلسطین دستاویزی در اختیار احزاب مخالف قرار دهند. در کنار شرایط داخلی، مسئله موقعیت و حیثیت بین‌المللی هند در جهان و به‌خصوص در جهان جنوب نیز مطرح است. هند در تمام این سال‌ها خود را به‌منوعی رهبر جهان جنوب و مدافع قدرت‌های ضعیف و درحال‌توسعه معرفی کرده‌است. در همین راستا این کشور اکنون ریاست بریکس را نیز برعهده دارد که اغلب کشورهای عضو آن حامی فلسطین و آرمان تشکیل یک کشور فلسطینی هستند؛ بنابراین هرگونه عدول هند از مواضع سنتی و از زخمی‌اش در رابطه‌با تشکیل کشور فلسطین می‌تواند به‌ویجه بین‌المللی آن آسیب جدی وارد کند. شاید به همین دلیل است‌که در جریان رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت اقدامات اسرائیل در کرانه باختری که با سفر از پیش‌تعیین شده مودی به اسرائیل نیز مقارن شده بود، هند به قطعنامه محکومیت رژیم‌صهیونیستی رأی مثبت می‌دهد. درعین‌حال هند نسبت به طرح ترامپ برای غزه نیز واکنشی محتاطانه نشان داده و صرفاً به عضویت به‌عنوان ناظر در شسورای صلح ترامپ بسنده می‌کند. شاید این هم نکته جالبی باشد‌که در طی تمامی این فراز و نشیب‌ها، دولت دهلی‌نو حاضر نشده‌است حماس را به‌عنوان یک سازمان تروریستی بشناسد.

هند و مشارکت در طرح شش‌ضلعی امنیتی تل‌آویو

حوالی سفر مودی به تل‌آویو، نتایج‌هاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از طرح جدید خود با نام «اتلاف شش ضلعی» و رونمایی کرد که بنا بر اذعان وی، هند یکی از ستون‌های این اتلاف را شکل خواهد داد. بنا بر ادعای نتایج‌هاو این اتلاف علیه رادیکالیسم منطقه‌ای ارائه‌شده و از دولت‌هایی همچون رژیم‌صهیونیستی، هند، یونان، قبرس و چند کشور عربی که احتمالاً امارات متحده عربی و سومالی اند خواهد شد، تشکیل شده است. اگر چه نتایج‌هاو خود فرد را از اعلام تشکیل این اتلاف جدید را به‌شکله با رادیکالیسم عنوان کرده است، اما تقریباً همه تحلیلگران اتفاق نظر دارند که مشارکت‌گیری چنین اتلافی توسط اسرائیل، در واقع پاسخی است به روند شکل‌گیری همکاری‌های جدید خاورمیانه‌ای میان کشورهای همچون عربستان، ترکیه، قطر و در کنار آن‌ها پاکستان. در این راستا اعضای توافق راهبردی امنیتی میان عربستان و پاکستان در سال گذشته میلادی و قوت گرفتن احتمال گسترش آن را مشارکت کشورهای دیگری چون ترکیه و یا حتی قطر در چهارچوبی کللی‌تر یا نام «اتاقی اسلامی»، نگارنی بزرگی را برای رژیم صهیونیستی رقم زده است. کشیدن پای کشورهای دیگری همچون یونان و قبرس که با ترکیه با مشکل دارند و یا هند که در تقابل سیاسی و نظامی با پاکستان به سر می‌رود، راه‌حکاری است که نتایج‌هاو برای این معضل در نظر گرفته است. ضمن آن‌که نتایج‌هاو از اعلام این اتلاف هدف دیگری را هم دنبال می‌کند: خروج رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی که در نتیجه جنگ و جنایات رژیم در غزه گریبان‌گیرش شده است.

اما هند تا کنون به این پیشنهاد نتایج‌هاو واکنشی رسمی نشان نداده و ترجیح داده است با سکوت از آن عبور کند. به نظر می‌رسد هند در این زمینه بر سر دوراهی و انتخابی دشوار قرار دارد. از یک‌سو مشارکت در چنین اتلافی با سیاست خارجی چندجانبه‌گرایانه و متکی بر همکاری با تمام طرف‌ها در خاور میانه منافات دارد و ازسوی دیگر هند خود نیز به‌نوعی نسبت به شکل‌گیری چهارچوبی همچون ناتوی اسلامی که به تقویت پاکستان و یا حتی محوریت آن در چنین اتلافی بینجامد، نگرانی عمیقی دارد.

بااین‌حال می‌توان گمانه‌زنی بر آن قرار داد که ترجیح هند بر آن خواهد بود که از ورود به هر گونه اقدامی که سطح تنش در خاورمیانه را بالا برده و نقش بی‌طرفانه هند را زیر سؤال آورد، پرهیز کند. این موضوع حتی می‌تواند در تنش میان ایران و آمریکا و اسرائیل هم صادق باشد. باالافتن سطح تنش و یک درگیری مستقیم میان ایران و ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، چیزی جز تهدید منابع مستقیم هند به لحاظ تجاری و منابع انرژی را به دنبال نخواهد داشت. با نظرداشت چنین شرایطی است‌که برخی تحلیلگران هندی تأکید کرده‌اند که سفر اخیر مودی را نباید به‌عنوان چرخش هند به‌سوی اسرائیل و هم‌پیمانی با تل‌آویو تلقی کرد، بلکه هند صرفاً به دنبال کسب حداکثر منافع از شرایط کنونی و به‌خصوص بهره‌گیری حداکتری از موقعیت دشوار کنونی رژیم صهیونیستی است.

۳۵۳ نفر از پژوهشگران، فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران با سلابق متکثر سیاسی در بیانیه‌ای مشترک بر دفاع از ایران تأکید کردند

ائتلاف بزرگ برای دفاع از ایران

fellow citizens, and on those with influence, credibility, and reach, to raise their voices even louder against aggression and war

Signed by ۳۵۳ prominent Iranian political figures and civil society activists from a wide range of political views

فهرست کامل ۳۵۳ امضاکننده بیانیه:

سعید آچولوی، علی آژم، آرمین آزما، بهاره آروین، مرضیه آذرآقا، محمدجواد آذری جهرمی، منصور آسیم، مجید ابوالحسنی، محمدحسین ابوعلی‌زاده، مرگان اثباتی، حسن اجرایی، سجاد احمدوند، محسن احمدی‌کوشی، احمد شری‌کوشی، کوروش احمدی، مسعود ادیبی، رضا اردکانیان، جعفر اسداللهی، سیدمحسن اسدی، ابراهیم اسکاکی، آثرین اسکندری، محمدرضا اسلامی، علیرضا اسماعیل‌نژاد، محمدهدیه اسماعیلی، اشکان اشعری‌پوف کبومرث اشترنژان، علی اصغرپور، سیدحسین اصغری، علی اعطاء زینب افخمی ستوده، ابوالفضل اقبالی، محمدصادق الطهرانی، صادق امامی، محمد امامی، سید روح‌الله امین‌آبادی، محمدامین ایمنجانلی، مهرداد ایبائلو، محمدجواد بادین فکر، قادر باستانی تیریزی، علی باقری، محمدالدین باقی، مازیار بالائی، سیدکاظم‌بنجمزوری، منصور براتی، منابه‌رقمی، سیدمهدیان، محمدحسین‌مشاهی، اسحاق‌فدائی، محسن بهاروندی، عماد بهلور، زهرا بهروزآرد، حسن بهشتی‌پور، زینب بیات، مجتبی بیات، محمد بیات، حسن بیگ‌محمدلو، یوسف بیتا، فرهاد پاشاپوراند، عماد پاینده، سیدعباس پرهیزکاری، علی پورخیری، غلامرضا پرنوشت‌سادی، سجاد بهلوران‌زاده، پویا پیرحسینلو، رضا تاران، علی تقی‌پور، زهرا تهرانی، مراد تقی، امیرحسین تمنایی، حسین جابری انصاری، مرتضی هادی جابری‌مقدم، محمد جعفری‌قوت‌انسی، حمیدرضا جلالی‌پور، محمدرضا جلالی‌پور، محمدرضا جلالی، محمدحسین جلالی، یاسر جلالی، امیرحسین جلالی ندوشن، میترا جلوداری، میلاد جلوداری، سمیه جلیلی، محدثه جلیلی، سیدامیر علی جعفری، حسین جمشیدی‌گوهری، طویب جمشیدی‌گوهری، علی جنتی، محمدرضا جوادپایگانه، عیسی جمیر، اسحاق جهانگیری، احسان چیت‌ساز، محسن حاجی کریمی، علی حاجی ناصری، سیدیزدان حبیبی، مهدی‌حسن‌زاده، سیدامیرحسین حسینی، سیدسجادحسینی، سیدمهدی حسینی، محمد حضرتی، علی حق‌شاس، کریم حمیدی، پرویز حناچی، جواد حیدری، محمدخاجوبی، محمدخا خاسینان، سحر خان‌محمدی، محمدحسین خرابی، حسین خزلی، یوسف خوشنما، محمدحسین‌زادگستر، مهدی دارایی، دانیال داودی، ختانه درشتی، مسعودرودی، حسین درویان، محمدرکور، سیدمهدی ذوقلی، رکیه‌دست‌باز، حسین دست‌باشی، داود دستبانی، امیر دودانی‌نژاد، عارف دهقاندار، فرهاد ذات‌علی‌فرد، بهنام ذوقی، شهرام راستی، مجید زوقی، علی ربیعی، فرمز رحایی، علی رجبی، بهنام رحمانی، حسن رحمانی، جبار رحمانی، علی رحمانی، محمد رحمانیمحمدعلی رحمانیان، محمدمهدی رحمانی، حامد رحیمیپور، سینارحیمیپور، حسین رحیمی، مصطفی رخ‌صفت، هادی رشیدیان، عبدالعزیز رضایی، سیدمحمودرضوی، سیدمسعودرضوی، مهدی ربیعی بهابادی، متین رمضان‌خواه، مرتضی روحانی، مصطفی رهبر، اصغر زارع کهنموسی، مصطفی زالی، فیاض زاهد، محمد زعمیزاده، صالح زمانی، علی زمانیان، مصطفی زمانیان، مسعود سالاری، علی سحرخیز، علی سرزمیم، عبدالکریم مروش،

هفتم اسفند سالروز استقلال نهاد وکالت

در جست‌وجوی تعامل نقادانه و مسئولانه

امیرحسین سلیمان

وکیل دادگستری

هفتم اسفند، تنها یک تاریخ در تقویم حقوقی ایران نیست؛ نماد یک مطالبه تاریخی و یادآور آرمانی است که عدالت بدون آن ناقص می‌ماند؛ استقلال نهاد وکالت. تصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در اسفند ۱۳۳۳، نقطه عطفی در تاریخ حقوق عمومی ایران بود؛ لفظ‌های که قانون‌گذار به‌درستی در ریافت تحقق دادرسی عادلانه، بدون وکیل مستقل و نهادی خودگردان، صرفاً ادعایی صوری خواهد بود. کانون وکلای دادگستری از بدو تأسیس، نه یک شکل صرفاً صنفی، بلکه نهادی مدنی یا کارکردی عمومی بوده است. نهادی که میان دولت و جامعه ایستاده و مأموریت آن، صیانت از حق دفاع، تضمین برابری در دادرسی و پاسداری از حقوق بنیادین شهروندان است. این جایگاه، کانون را به یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین نهادهای مدنی ایران بدل کرده است؛ نهادی که فلسفه وجودی آن، فراتر از منافع حرفه‌ای اعضایش تعریف می‌شود. در این میان، مفهوم «استقلال» همواره سنگ‌بنای نهاد وکالت بوده است. اما تجربه بیش از ۷۰ سال فعالیت کانون نشان می‌دهد که استقلال، مفهومی تک‌بعدی نیست. استقلال کانون و استقلال وکیل، دوروی یک سکه‌اند؛ نه قابل تفکیک و نه قابل جایگزینی. استقلال نهادی بدون تضمین آزادی و امنیت حرفه‌ای وکیل، و به ساختاری بی‌جان می‌انجامد و استقلال فردی وکیل بدون پشتوانه نهادی مستقل، در برابر فشارها و مداخلات، شکننده و ناپایدار خواهد بود. از همین رو، هر سیاست یا قانونی که یکی را تقویت و دیگری را تضعیف کند، در نهایت به تضعیف کل نظام عدالت منجر می‌شود. حق برخورداری از وکیل، از مزه حقوق بنیادین بشر شناخته می‌شود. این حق، تنها در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده، بلکه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز جایگاهی روشن دارد. بااین‌حال، تحقق عملی این حق، وابسته به وجود وکیلی مستقل، متخصص، ایمنس و برخوردار از آزادی حرفه‌ای است؛ امری که بدون کانونی مستقل و مقتدر، دست‌یافتنی نخواهد بود. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نهاد وکالت به‌دوره‌ای پرچالش مواجه شد. کشیده‌شدن کانون وکلا به برخی جهت‌گیری‌های سیاسی و غیر حرفه‌ای توسط مدیران وقت کانون منسب بروز ناهماهنگی و ناهماهنگی به نهاد وکالت، تضعیف برخی از وکلا، کنار گذاشته‌شدن از مشارکت در تصمیم‌های کلان ملی و در نهایت خدشه اعتماد عمومی به نهاد وکالت را در پی داشت. تعیین سرپرست برای اداره کانون برای مدت طولانی در حدود ۲۰ سال از پیامدهای دیگر وضعیت جدید بود. هر چند در اواخر دهه ۷۰ بار دیگر با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی، امکان مشارکت وکلا در امور صنفی خود از طریق انتخابات فراهم شد. در سال‌های اخیر و پس از دوره‌ای نسبتاً آرام از اواسط دهه ۹۰، کانون‌های وکلا گریبانگر مشکلاتی شدند که برخی از این مشکلات مشخصاً موجودیت آن‌ها را نشانه گرفته است از گسترش هر چه بیشتر مرکز وکلا که در غفلت کانون‌ها در عدم تعامل با دستگاه قضایی رخ داد و عملاً به چندپارگی نهاد وکالت منجر گردید تا تصویب طرح‌هایی مانند «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» با نگاه صرفاً اقتصادی به حرفه وکالت که موجب نگرانی‌های جدی در باره افت سطح دانش تخصصی، تضعیف معیارهای حرفه‌ای و تضعیف حقوق شغلی وکلا شده است. افزون بر این، محدودیت‌های ناشی از تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از آشکارترین مصادیق تحلید حق دفاع و نقض استقلال وکیل در پرونده‌های امنیتی به‌شمار می‌رود که خوشبختانه مقامات دستگاه قضایی پس از دوره‌ای آز‌آمون و خطا کمر همت به اصلاح آن بسته‌اند. در کنار این موانع ساختاری، مسئله امنیت شغلی وکلا به‌عنوان زخمی مز‌من، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. ناامنی اقتصادی ناشی از سیاست‌گذاری‌های نادرست، اشباع کنترل‌نشده بازار وکالت و نبود حمایت‌های صنفی مؤثر، در کنار تهدیدهای جانی که حرفه وکالت را به یکی از پرریسک‌ترین مشاغل بدل کرده است. متأسفانه در سال‌های اخیر، شماری از وکلای دادگستری در مسیر انجام‌وظیفه و دفاع از حقوق موکلان خود، جان باخته‌اند. بااین‌حال، باید تصریح کرد به دلیل نبود آمار رسمی، شفاف و یکپارچه از سوی نهادهای مسئول، عدد دقیق و مورد اجماعی از شمار وکلای کشته‌شده اعلام نشده است؛ خلئی که خود نشان‌دهنده بی‌توجهی ساختاری به امنیت حرفه‌ای وکلاست، (بر طبق یک اظهارنظر از سوسی رئیس اتحادیه کانون‌های وکلای سراسر کشور در عرض یک‌دهه در حدود ۲۰ وکیل دادگستری در سراسر کشور به سبب انجام وظایف حرفه‌ای و اجرای عدالت به قتل رسیده و ۶۰ وکیل نیز مورد سوء‌قصد واقع شده‌اند). در نتیجه با ایسن چالش‌ها، راه بر رون‌رفت نه در تقابل، بلکه در تعامل نقادانه و مسئولانه با حکمرانی نهفته است. کانون وکلا، اگرچه باید بر استقلال خود پای فشارد، هم‌زمان می‌تواند از مسیر گفت‌وگو، ارائه راهکارهای حقوقی و ایفای نقش مشسورتی، به بهبود نظام عدالت کمک کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای این مسیر، آگاه‌سازی جامعه است؛ آگاه‌سازی که از طریق ایفای مسئولیت اجتماعی معنا می‌یابد.

ارائه خدمات حقوقی رایگان یا کم‌هزینه به گروه‌های آسیب‌پذیر، حضور فعال در بحران‌های اجتماعی و مشارکت در حل مسائل عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.

ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند. ثبت روز ۷ اسفند در تقویم رسمی کشور علی‌رغم تمامی تلاش‌ها به دلیل فقدان همت عالی از سوی کانون‌ها و نیز نگاه همراه با سوءتفاهم بخشی از حکمرانی به حرفه وکالت وفق آنچه شرح آن عمومی، می‌تواند پیوند ازهم‌گسسته میان جامعه و نهاد وکالت را ترمیم کند.